

بررسی الگوی توسعه شومپیتر^۱

نویسنده: محمد واعظ برزانی*

چکیده

«ترمیم اندیشمندانه استراتژی توسعه برای کشورمان ایجاب می‌کند که از راه آشنایی با الگوهای اصلی توسعه اقتصادی، ضمن آشنایی با جنبه‌های قوت و ضعف آنها، به مصداق آیه شریفه (فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) قادر گردیم که عناصر مثبت این الگوها را برای گذر از توسعه نیافتگی مورد توجه قرار دهیم.

با یک نگاه ساده و ابتدایی به کشورمان، متوجه منابع اقتصادی گسترده ولی غیرمتشکل در آن می‌شویم به طوریکه در گوشه و کنار با سرمایه‌های مالی و فیزیکی پراکنده، تکنولوژی پراکنده و نیروی انسانی ماهر پراکنده مواجه هستیم. وجود چنین وضعیتی باعث تمایل به طرح یک الگوی توسعه‌ای گردید که در آن به سازماندهی عوامل تولید، توجه خاصی شده باشد. در نتیجه تلاش نوآوران، اقتصاد از سازماندهی منابع در چهارچوب یک چرخه فعالیت تکراری خارج و از طریق سازماندهی نوین منابع، وارد فرآیند توسعه می‌گردد. در این مقاله بدون تکرار نام شومپیتر الگوی توسعه وی با عنایت به محدودیت‌های بکارگیری آن معرفی می‌گردد.^۲»

* عضو هیأت علمی گروه اقتصاد - دانشگاه بوعلی سینا و دانشجوی دکترای اقتصاد - واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

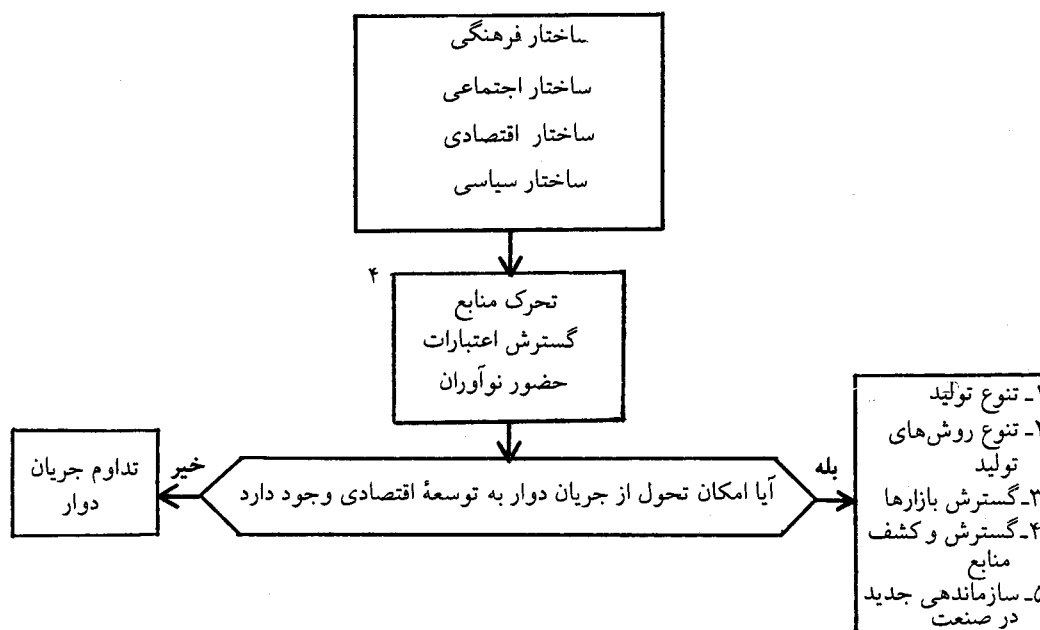
1- J.A. Schumpeter (1883-1950)

۲- در تدوین مقاله، ضمن استفاده از مجموعه منابع فارسی و لاتین، مهم‌ترین منبع چاپ دوم انگلیسی کتاب The theory of Economic Development بوده است.

وجوه برای سرمایه‌گذاری و غیره، تمایل به برابری داشتند. اگرچه در این بین به آرامی محصولات جدیدی نیز به بازار عرضه می‌گردید. به وضعیت تعادلی فوق، جریان دوار^۳ گفته می‌شود.

با ورود نوآوران به صحنه، اقتصاد شاهد به هم خوردن جریان تعادلی قبل یا جریان دوار می‌شود که حکایت از شروع توسعه اقتصادی می‌کند. از این رو توسعه اقتصادی عبارت است از تغییر شرایط اقتصادی از شرایط تعادل ایستا (جریان دوار) به شرایطی که دارای تغییرات گسسته و خودبخود

در دنیای توسعه‌نیافته، شاهد فعالیت‌های اقتصادی مستمر و بلندمدتی هستیم که اگرچه همراه با تغییراتی است ولی تغییرات فوق به گونه‌ای نیست که تعادل‌های نهادینه شده در روابط اقتصادی - اجتماعی را بر هم بزنند. به عبارت دیگر، تدریجی بودن این تغییرات به گونه‌ای بوده است که فرآیندهای مختلف در نظام اقتصادی هم چون فرآیند تشکیل سرمایه، تولید و غیره گرایش به یک موقعیت تعادل داشتند، به‌طورمثال عرضه و تقاضای کالاهای سرمایه‌ای، عرضه و تقاضای



3- Circular Flow

۴- در الگوی توسعه شومپیتر سه عامل متداول بروز شرایط توسعه اقتصادی تحرك منابع تولیدی (از حیث جغرافیائی و غیره)، گسترش اعتبارات بانکی و حضور نوآوران است که البته عامل سوم نقش مهم‌تری ایفا می‌کند. نوآوری آنها در قالب پنج شکل ذکر شده در نمودار است.

امپراتوری بزرگ تشکیل می‌داد. جنگ‌های بزرگ قرون چهاردهم تا هفدهم میلادی در اروپا، تا حد زیادی به‌خاطر وجود این آرزو، هم در بین زمامداران و هم جنگ‌آوران بوده است. اما در فرآیند توسعه، آرمان ایجاد یک امپراتوری بزرگ حفظ شده است ولی شکل آن بدین صورت تغییر یافته که اینک، ایجاد یک امپراتوری بزرگ اقتصاد و صنعت آرمان شده است.

در جریان فرآیند توسعه، ما شاهد اوج‌گیری خواسته‌های فردی، بسیار فراتر از آنچه هستیم که طبق معمول بر اساس ضوابط و شرایط خانوادگی شکل می‌گیرند. اثر این تحوّل در ساختار فرهنگی، باعث می‌گردد که اولین جوانه‌های بروز اشخاصی در جامعه زده شود که به نظر می‌رسد احساس باطنی آنها به نظر می‌رسد نوعی رؤیای سلطنت است. به عبارت دیگر اگرچه شرایط دنیای قرون جدید، بسیار متفاوت از قرون وسطی است ولی احساسی که پس از یک موفقیت صنعتی یا بازرگانی برای نوآور به دست می‌آید، شبیه احساس آن لرد قرون وسطی است: «دست و پنجه نرم کردن در راه‌های نو اقتصادی که رضایت‌مندی زیادی را ایجاد می‌کند، به طوری که بهره‌مندی‌های اقتصادی در درجه دوم قرار می‌گیرند.»

ساختارهای اجتماعی، اقتصادی

تحت تأثیر ساختار فرهنگی جامعه، در مرحله توسعه‌یافتگی، ساختارهای اجتماعی اقتصادی نیز متحوّل می‌گردند و شاهد سازماندهی‌های جدید در روابط اجتماعی و اقتصادی خواهیم بود. اگر

است. قلب این تغییرات را انجام ترکیبات جدیدی از نهاده‌های تولیدی تشکیل می‌دهد. پس ترکیبات جدید همان نوآوری است که محور فعالیت نوآوران می‌باشد.

- الگوی توسعه (بدون در نظر گرفتن دوره‌های تجاری)

در دوران توسعه‌نیافتگی، نحوه تعامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به گونه‌ای می‌باشد که به طور مرتب امکان تحوّل از جریان دوار به توسعه اقتصادی منتفی بوده و فرآیند توسعه‌نیافتگی تکرار می‌شده است ولی اینک به دنبال شناخت و بررسی ساختارها در زمانی هستیم که به واسطه حضور نوآوران اولین جواب مثبت به این سؤال داده شده است که: آیا امکان تحوّل از جریان دوار به توسعه اقتصادی وجود دارد. (نمودار ص ۱۸)

به دنبال آن اولین تحولات در ساختارها معرفی می‌شود:

ساختار فرهنگی

خصوصیات این ساختار در اوان ورود به جریان توسعه اقتصادی عبارتند از:

الف - آرمان‌گرایی ب - اهمیت دادن به تلاش (کار) ج - ارزشمند بودن تحمّل خطر د - کسب علم در اینجا به خصوصیت اول به‌خاطر تازگی آن پرداخته می‌شود:

آرمان‌گرایی: در دوران فتودالیه، آرمان بزرگ انسان‌های تلاشگر را فتوحات ارضی و ایجاد یک

از یک موقعیت ویژه اقتصادی بهره‌مند گردیدند، زمینه را برای گسترش بیشتر سرمایه‌داران و گروه‌های جدید پیوسته به آنها در صحنه اجتماع فراهم می‌کنند. مهم‌ترین، بهره‌مندترین و در نتیجه رشدیابنده‌ترین زیرگروه سرمایه‌داران را بانکداران تشکیل می‌دهند.

متناسب با آنچه بیان شد، می‌توان به‌سادگی نتیجه گرفت که گروه‌های تضعیف‌شده اجتماعی اشراف (نجبا) و فئودال‌ها هستند.

- ساختار سیاسی

تحت تأثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تحولاتی نیز در فرآیند توسعه یافتگی در ساختار سیاسی بروز می‌کند که عناوین آنها عبارتند از:

- ۱- تحوّل در نهادهای اداره جامعه از خمیرمایه فئودالی و اشرافی به کارآمدی.
- ۲- ایجاد طبقه‌ای محافظ برای حکومت، از روشنفکران
- ۳- گرایش به سمت لیبرالیزم و دموکراسی

- الگوی توسعه با در نظر گرفتن دوره‌های تجاری در ابتدا بر اساس الگوی قبل فرض می‌شود که توسعه اقتصادی خود را به صورت انجام ترکیبات جدید تولید نشان می‌دهد و این تحوّل از طریق کاهش هزینه، افزایش سود اقتصادی را برای بنگاه‌ها فراهم می‌کند. این افزایش سود در شرایط

بخواهیم مهم‌ترین تأثیر تغییر در ساختار فرهنگی روی ساختار اجتماعی - اقتصادی را به طور خلاصه مطرح کنیم، باید آن را امکان تحرک اجتماعی و طبقاتی بدانیم که در ذیل توضیح داده می‌شود:

- امکان تحرک طبقاتی: به گونه‌ای که امکان رشد و بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی ابداع‌کنندگان و مرتب‌ترین آنها در جامعه به وجود می‌آید. تحرک طبقاتی خود را به صورت گروه‌های جدیدالظهور یافته و گروه‌های تضعیف‌شده در عرصه اجتماعی - اقتصادی به شرح زیر نشان می‌دهند:

۱- گروه‌های ظهور یافته جدید در عرصه اجتماعی - اقتصادی^۵

الف - رهبران تحوّل تولیدی: با اشاعه فرهنگ نوآوری، تولید، صحنه قدرت نمایی نوآوران خواهد شد که وظیفه تحوّل مبانی تولید را به عهده دارند. رهبری آنها نه در سایه اختراع، بلکه در سایه ابداع و نوآوری حاصل شده است. این گروه شاید اولین گروه پا به میدان‌گذارده، تحت تأثیر گسترش فرهنگ نوآوری می‌باشند. رهبری از نوع نوآوران با انواع دیگر رهبری رسمی و حزبی متفاوت است و دربرگیرنده عناصر خاصی چون شور و شوق، قدرت بدنی و اعتبار شخصی برای هدایت ابزار تولید در مسیر جدید هستند.

ب - سرمایه‌داران و بانکداران: اولین سرمایه‌دارانی که با بهره‌مندی از ابداعات نوآوران

۵- با استفاده از منبع I لاتین صص ۸۸-۹۰ و منبع IV لاتین صص ۱۳۴

اولیه در ساختارها را تداوم می‌بخشد و این علی‌رغم وجود دوره‌های رونق و رکود باعث تشدید فرآیند توسعه یافتگی می‌شود.

- الگوی توسعه با در نظر گرفتن دوره‌های تجاری و بدون وجود عامل ابداع

این بار همان الگو با توجه به عدم امکان بروز نقش نوآوران ارائه می‌گردد. برای این کار ابتدا آثار تحولات تولیدی و موفقیت‌های ناشی از این تحولات روی ساختارها در بلندمدت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- تأثیر روی ساختار فرهنگی

الف - خودگرایی به جای آرمانگرایی: بر خلاف دوران اولیه توسعه یافتگی که دوران آرزوهای بزرگ اقتصادی و صنعتی بود، عملکرد نظام اجتماعی - اقتصادی کم‌کم زمینه‌ساز فرهنگ جدیدی را ایجاد کرد و آن اینکه به آرزوهای بزرگ اقتصادی رسیده‌ایم و حال وقت حفظ موقعیت است.

در این شرایط آرمانگرایی فرهنگی جای خود را به تعقل و خردگرایی می‌دهد. بدیهی است که دیگر تمامی تدابیر باید برای حفظ دستاوردهای توسعه معطوف گردد و بنابراین قدم‌گذاران به قلمروهای ناشناخته صنعت و تجارت تبدیل به حفظ قلمروهای فعلی می‌گردد و محرک‌های روانی‌ای چون: احساس غلبه و فتح ناشی از موفقیت‌های حرفه‌ای و احساس خشنودی ناشی از خلق و آفرینش تبدیل به محرک لذت‌خواهی

بسط اعتبارات بانکی، منجر به رونق تولید و اقتصاد می‌گردد. زیرا به هنگام دست‌بودن اعتبارات بانکی برای دو دسته عوامل اقتصادی: ۱- مصرف‌کنندگان برای خرید کالاها ۲- بنگاه‌های تولیدی برای خرید ابزار و وسایل تولید، هم امکان افزایش سطح تولید از طرف بنگاه‌ها فراهم است و هم تقاضا برای تولید افزایش یافته وجود دارد. بالنتیجه ما شاهد رونق تولید در اقتصاد خواهیم بود. وجود سود خالص اقتصادی، می‌تواند انگیزه‌ای را برای پیوستن سایر بنگاه‌های تولیدی به استفاده از روش تولیدی جدید ایجاد کند و در نتیجه این پیوستن، به‌طور مرتب شاهد کاهش سود خواهیم بود. افول سود اقتصادی انگیزه تولیدکنندگان را (حتی با وجود اعتبارات گسترده بانکی) تضعیف کرده و در نتیجه موجبات وارد شدن اقتصاد را به یک دوران رکود فراهم می‌کند.

در شرایطی که اقتصاد در معرض رکود قرار گرفته است و امیدی به نجات آن نمی‌رود، نوآوران، رسالت خطیر خود را با ارائه اطلاعات جدید تولیدی به بنگاه‌ها ایفا می‌کنند و در نتیجه می‌توان شاهد کاهش هزینه و افزایش سود کالاهای تولیدشده بود. چنین شرایطی همراه با گسترش اعتبارات، اقتصاد را در موقعیت یک رونق مجدد تولید (و آن هم در سطحی بالاتر از قبل) قرار می‌دهد.

این دوره‌های کساد و رونق می‌تواند پی‌درپی بوده و تداوم داشته باشد. به عبارت دیگر در شرایطی که نوآوران حضور داشته باشد و بتواند نقش خود را ایفا نماید، هر تحولی در تولید، تغییرات

می‌شوند.

دیگر مشخصه‌های ساختار فرهنگی در این شرایط عبارتند از:

ب - اهمیت مصرف به جای اهمیت به تلاش

ج - ارزشمند بودن دفع خطر

۲- تغییر در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی

اشاعه فرهنگ محافظه کاری در فعالیت باعث تحکیم موقعیت اجتماعی - اقتصادی محافظه کاران و تهدید موقعیت شورآفرینان و خطرپذیران می‌گردد. به عبارت دیگر، برخلاف اوان دوران صنعتی شدن که در آن سرمایه‌دار، مدیر و نوآور یکی بودند، اینک اولاً این شکاف فوق‌العاده زیاد شده، یعنی به ندرت می‌توان نوآوری را یافت که اضافه بر نقش نوآوری خود، نقشی هم در مدیریت یا مالکیت بنگاه خود داشته باشد. ثانیاً اصولاً شرایط در طرد نوآور از صحنه فعالیت اقتصادی - اجتماعی ایجاد شده است. یعنی نوآوران موجود هم امکان ارائه نوآوری خود را ندارند.

در این شرایط، چون معمولاً دریافتی عوامل تولید، بیشتر نتیجه سرمایه است نه ابداع، بنابراین به طور مرتب آن سرمایه‌دارانی تقویت می‌گردند که با اتکاء به سرمایه خود توانسته‌اند جایگاه خود را مستحکم کنند، نه با تکیه بر ابداعات فنی و چون در این شرایط، جریان ابداع به کندی صورت می‌گیرد، بنابراین منافع حاصل از ابداع برای سرمایه‌داران که در فضای رقابتی به دست می‌آید، اکنون جای خود

را به منافع حاصل از انحصار برای سرمایه‌داران داده است که بر خلاف حالت اول متضمن کاهش منافع مصرف‌کنندگان است.

۳- تغییر در ساختار سیاسی

الف - از بین رفتن طبقات محافظ: درون گراییدن سرمایه‌داران و صرفاً به حفظ منافع خود اندیشیدن، باعث می‌گردد که سرمایه‌داران جاذبیت طبقاتی خود را از دست بدهند. لذا از یک سوی روشنفکران حاضر به حمایت و هماهنگی کمتری با آنها می‌شوند و از سوی دیگر فئودال‌ها و ثروتمندان سنتی.

ب - رشد خصومت در نظام سیاسی: سرمایه‌داران به دلیل منطبق ارزش‌های خود، محیطی مملو از خصومت، درگیری و تضادهای اجتماعی به وجود می‌آورند. این خصومت هم در سطح عموم جامعه و هم در بین طبقه روشنفکر نسبت به نظام اجتماعی و سیاسی ظاهر می‌شود.

نتیجه‌گیری^۶

با گرایش به بحث خردگرایی و در نتیجه تغییر در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؛ زمینه برای حضور نوآور سلب (و یا محدود) می‌گردد و لذا در ترکیب عوامل سه گانه جهت توسعه اقتصادی (تحرک منابع، گسترش اعتبارات و حضور نوآوران) با فرض وجود عوامل دیگر، به واسطه^۲ عدم حضور نوآوران، تحول در تولید و دستیابی به

۶- با استفاده از منابع I و IV فارسی و I و IV لاتین

پیرامونی و نه از طریق ادغام در نظم نوین جهانی، امکان دستیابی به توسعه اقتصادی را دارند ولی در الگوی فوق به چگونگی تأثیرپذیری حوزه اقتصاد داخل از خارج پرداخته نشده است. چرا که گواه تاریخی الگوی فوق فاقد چنین تأثیراتی بوده است. اصولاً تمام الگوهای تاریخی در توسعه به هنگام تعمیم یافتن، مواجه با چنین محدودیتهایی می‌شوند.

۲- در الگوی فوق، نقش دولت به عنوان عامل کندکننده یا تسریع‌کننده فرآیند توسعه در نظر گرفته نشده، درحالی‌که بخصوص در کشورهای جهان سوم، بخش مهمی از نوآوران می‌توانند درون بخش دولتی تکوین یافته و نوآوری از طریق بخش دولتی به سایر بخش‌های اقتصاد اشاعه یابد. به عبارت دیگر در یک برنامه‌ریزی توسعه، واحدهایی از بخش‌های وابسته به دولت، می‌توانند نقش پایگاه‌های اولیه جذب و بومی کردن علم و فن را از دنیای خارج داشته باشند. اجتناب دولت‌های جهان سوم از ایفای چنین نقشی، مانع جدی در به نتیجه رسیدن تلاش‌های علمی - فنی بنگاه‌های ذره‌ای درون چنین جوامعی است.

به بیان دیگر، شومپتر به اصل ابداع و ضرورت بنیادین آن در فرآیند توسعه اقتصادی توجه کرده است، درحالی‌که در دنیای امروز ایجاد نهادهایی برای زمینه‌سازی، حمایت و گسترش ابداع یا به تعبیر دیگر نهادی کردن ابداع، می‌تواند باعث حرکت توسعه‌ای یک جامعه شود که به آن پرداخته نشده است.

۳- جریان‌های حقیقی اقتصاد از جریان‌های پولی آن به وضوح تفکیک نشده‌اند. چرا که مثلاً

ترکیبات جدید تولید، متوقف می‌گردد. حال مقارن بودن این توقف با رکود اقتصادی، باعث می‌شود که زمینه جدید سود برای تحریک بنگاه‌ها به افزایش تولید و گذر از آن شرایط رکودی امکان‌پذیر نشود. چون بازگشت به دوران گردش فعالیت سنتی اقتصاد (جریان دوار) وجود ندارد و با توجه به واقعیات عینی سیاسی جامعه سرمایه‌داری، این بحران به فروپاشی این نظام منجر خواهد شد.

پس نظام سرمایه‌داری، به‌خاطر دلایل اقتصادی که مارکس ارائه می‌دهد، از بین نمی‌رود بلکه در اوج اقتدار خویش به‌خاطر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ایدئولوژی منهدم می‌شود. در حقیقت از میان رفتن نظام سرمایه‌داری را باید در موفقیت بیش از حد این نظام جستجو کرد.

محدودیت‌ها

اینک پس از معرفی الگوی تاریخی توسعه شومپتر، چند محدودیت اصلی آن ذکر می‌شود:

۱- در الگوی اصلی توسعه شومپتر، توسعه یافتگی یک اقتصاد، منوط به آماده شدن جنبه‌های داخلی توسعه شده است و این مهم در نظر گرفته نشده که در دنیای امروز، چگونگی ارتباطات خارجی می‌تواند نقشی مهم در امکان یا عدم امکان توسعه یافتگی یک اقتصاد بگذارد. زیرا با وجود پدیده سلطه فنی، در چهارچوب نظم نوین جهانی امکان حرکت عملی حتی به سمت بُعد مادی توسعه فراهم نمی‌باشد. به عبارت دیگر کشورهای توسعه‌نیافته عصر امروز، نه بدون ارتباط با دنیای

اعتبارات بانکی قادر به دستیابی به ابراز تولید موردنظر جهت انجام ترکیبات تولیدی جدید باشند، درحالی که دست یافتن به کالاهای سرمایه‌ای، به عملکرد بخش حقیقی اقتصاد بستگی دارد که الزاماً با وجود در دسترس بودن اعتبارات، امکان‌پذیر نیست.

وقتی شومپیتر یکی از عوامل معمول توسعه را گسترش اعتبارات بانکی یا به عبارت دیگر استفاده از قدرت خلق پول نظام بانکی برای جبران محدودیت مازاد اقتصادی جوامع اولیه صنعتی به عنوان وسیله‌ای برای تأمین مالی طرح‌های صنعتی نوآوران می‌داند این سؤال پیش می‌آید که آیا امکان دارد کارفرمایان با تکیه عمده به

منابع و مآخذ

- ۱- قره باغیان، مرتضی، «اقتصاد رشد و توسعه»، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۰، تهران.
- ۲- هایلبرونر، ترجمه شهسا، «بزرگان اقتصاد جامعه و اقتصاد»، ۱۳۷۰، تهران.
- ۳- عسگری، علی. «نظام‌های اقتصادی (جزوه درسی)»، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۷۰، تهران.
- ۴- شومپتر، ج (ترجمه پیرنیا)، «سرمایه‌داری - سوسیالیزم و دموکراسی».

- I. J.A.schumpeter, The Theory of Economic Development, Oxford University Press, 1961
- II. DIANA HUNT, Economic Theories of Development, HARVESTER WHEATSHEAF, 1989.
- III. J.A.SCHUMPETER, Theo Analysis of Economic Change, Readings in Business Cycle Theory, GEORGE ALLEN & Unwin LTD, 1961
- IV. J.A.SCHUMPETER, Imperialism & Social Classes AUGUTAS M.KELLEY, INC, NEWYORK 1951.
- V. J.A.SCHUMPETER, History of Economic Analysis, ALLEN & UNWIN, LONDON, 1982.
- VI. B.HERRICK & C.P.KINDLEBERGER, Economic Development, McGraw - Hill Book Co. SINGAPOR, 1983.
- VII. H.Chenery & T.N.Srinivasan, HandBook of Development, Economics, Volume 2, NORTH HOLLAND, 1989.